

رسالت‌های تبلیغی حوزه‌های دینی

محمد شریفی^۱

چکیده

تبلیغ دین و بیان احکام و معارف اسلامی در حوزه فرهنگ دینی از اساسی‌ترین رسالت وظایف حوزه‌های علوم دینی شیعه بوده است. و عالمان دینی برای تبلیغ آموزه‌های وحیانی در جامعه مرارت و رنج‌های فراوان کشیدند و با الگو گرفتن از آرمان پیامبر (ص) گرمی اسلام و امامان معصوم (ع) برای سامان دادن زندگی مردم و جامعه براساس سیره و روش زندگی آن‌ها و پرتو گرفتن از آن انسان‌های کامل رحمت‌های زیاد و طاقت‌فرسا کشیدند. عالمان ربانی که درواقع وارثان آن‌ها هستند همیشه با تلاش و جدیت تمام نگهبان میراث معرفتی دین و ایمان مردم بودند. محاسن و نکویی‌های معارف قرآنی و اهل بیت (ع) را برای مردم روشن ساختند و از مرزهای اعتقادی مکتب با خون دل و دادن جان خویش پاسداری و حراست کردند. آن‌ها عالم و جامع بودند،

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه.

از پس هر پرسش و هجوم فکری و فرهنگی برمی آمدند. دیده بانی بودن که آفاق دید تیزنگرشان، همه مرزهای فکری و فرهنگی دارالاسلام را می پایند و حرکت دشمنان دین و اسلام در اقصی بلاد اسلامی، از تیررس نگاه نافذ و دورنگرشان بیرون نبود، با منطق برتر و عالی اسلامی و پشت کاری اعجاب برانگیز، تحرکات فکری و فرهنگی بیگانگان را از حرکت باز می ایستاندند. عالمان، با به کار گرفتن آگاهی های خود، از منابع اولیه دین: قرآن و سنت، و استناد به فهم علمی خویش از آنها، کوشیدن پاسخ های درخور نیازهای فکری و فرهنگی مردم و جامعه عصر خویش را بیابند و با عرضه کردن آنها مسئولیت نیابتی و تبلیغی خودشان را به انجام برسانند. مردم وظیفه یافتند به عالمان دین مراجعه کنند و موضع فکری و فرهنگی و رفتاری خود را درروی داده های زندگی، با رهنمودها و هدایت های اجتهادی آنها هماهنگ شوند.

کلید واژگان: رسالت، تبلیغ، اسوه گیری، وراثت و نیابت.

مقدمه

عصر حاضر، از نظر علم و فن آوری و ابزارهای جدید اطلاع رسانی و تبلیغاتی با گذشته تفاوت های بسیاری دارد. در گذشته بیشتر وسایل و امکانات ارتباط جمعی که امروز در اختیار عموم مردم قرار دارد، وجود نداشت

در عین حال آن‌ها با کمترین امکانات بیشترین بهره‌برداری را می‌نمودند. رشد صنعت و تکنولوژی در عرصه‌ها گوناگون علمی و تجربی سبب پیشرفت علم و دانش بشری شده است. انسان‌ها موفق شده‌اند برخی از اسرار و رموز عالم خلقت را کشف نمایند. و اختراعاتی را در حوزه‌های مختلف معرفتی و جهان‌بینی پدید بیاورند. پیشرفت تکنولوژی و فن‌آوری تأثیر بسیار و شگرفی بر زندگی انسان‌ها داشته است؛ که زندگی امروزی بیشتر بر مخور پدیده‌ها و مادیات دور می‌زند. ارزش‌های الهی و انسانی به واسطه سودجویی و مادی‌گرایی برخی از افراد در جامعه جایی خود را به منفعت‌طلبی و رفاه‌زدگی داده است. به شکلی که مادیات ارزش واقعی در بین مردم و جامعه به شمار می‌آید. مهم‌ترین اثر این رویداد عصر حاضر، فقدان معنویت، خدا‌گرایی وزیر پا گذاشتن ارزش‌های الهی و انسانی در بین مردم و جامعه شده است؛ و نیز تهاجم فکری و فرهنگی بیگانه، روشنفکران غرب‌گرا را در بین مردم و جامعه بیشتر نموده است. سبب ایجاد تشویش آشفته‌گی فکری و فرهنگی در بین مردم، جامعه و حوزه فرهنگ دینی شده است. در چنین شرایطی، علماء و مبلغان دین به عنوان وارثان پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) وظایف و مسئولیتشان در عصر حاضر بسیار سنگین‌تر از گذشته است. لازم و ضروری است علماء برای مقابله با تهدیدات و تهاجمات امروزی، نخست خود را به علوم و فنون روز، استفاده از ابزار تبلیغاتی جدید و شیوه‌های

مقابله کارآمد با آن‌ها، مجهز نمایند و با زبان علم و روز و ابزار جدید به تبلیغات احکام و معرف اسلامی و ارزش‌های دینی بپردازند. جامعه را به سوی سعادت و رستگاری راهنمای و هدایت نمایند.

مفهوم شناسی

واژه رسالت در لغت به معنای پیغمبری، نبوت، مأموریت، مسئولیت است. (لغت‌نامه، دهخدا، ج ۲۲، ص ۳۸۸)

واژه تبلیغ از ماده (ب.ل.غ) واژه‌ای عربی و مصدر باب تفعیل است. عبارت بَلَّغَ الشَّيْءَ تَبْلِيغًا به معنای آن چیز را رسانیدن، است. (جبران، الرائد (فرهنگ الفبایی عربی - فارسی ۳۹۸) تبلیغ در زبان فارسی به معنای رسانیدن پیام یا خبر یا مطلبی به مردم، ابلاغ، موضوعی را با انتشار اخبار و با وسایل مختلف مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه و غیره در اذهان عمومی جاگیر کردن (معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ۱۰۲۵)

تبلیغ در اصطلاح: مفهوم اصطلاحی تبلیغ، نخست اگر چه در حیط امور دینی به کار می‌رفت و بعدها به حوزه‌های دیگر تعمیم یافت از صورت جمع آن تبلیغات غال با در حوزه‌های غیر از حوزه دین به کار می‌رود و استفاده می‌شود. گفتنی است که ارائه تعریفی مورد وفاق اصطلاح تبلیغ کار دشواری است و آنچه در معرف این نوشتار ذکر شده، برآیند مشترکات انبوهی از تعاریف

موجود است. (خندان، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ص ۶۲-۶۹)
اصطلاح تبلیغ در مفهوم کلی آن عبارت است از: رساندن پیام به دیگری از طریق
برقراری ارتباط به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او و بر سه عنصر اصلی
مانند: پیام‌دهنده، پیام‌گیرنده و محتوای پیام مبتنی است.

تبلیغ و ارتباط با مخاطبین

در سایه تبلیغ است که مبلغین با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کنند و پیام را به
آنها می‌رسانند رابطه‌ی تبلیغ و ارتباط زمانی به‌خوبی تبیین می‌شود که بتوان
جایگاه تبلیغ را با حفظ ضوابط و اصول آن، به‌دوراز استثمار فکری و عاطفی
روشن کرد و از هرگونه سوءاستفاده و مسخ افکار مخاطب، اجتناب ورزید.

تبلیغ اسلامی عبارت است از رساندن پیام الهی به شیوه روشنگرانه از طریق
ایجاد ارتباط و تشویق به پذیرش محتوای موردنظر با استفاده از ابزارهای مشروع
هر عصر (رهبر، پژوهشی در تبلیغ، ۹۸: ۱۳۷۱) با این تعریف از تبلیغ روشن
می‌شود که میان تبلیغ اسلامی و غیر اسلامی، تفاوت‌هایی وجود دارد. در تبلیغ
اسلامی برخلاف تبلیغ غیر اسلامی، انگیزه الهی، معنوی و عشق به هدایت
انسان‌ها، وجود دارد، پیام‌رسان امانت و صداقت را که شرط پیام‌رسانی است،
رعایت می‌کند و بدون افزودن یا کاستن بر محتوای پیام، آن را به پیام‌گیرندگان
می‌رساند و مهم‌تر از همه اینکه در تبلیغ اسلامی، از ابزار و وسایل نامشروع و

ترفندها و حیل‌های شیطانی، استفاده نمی‌شود. همچنان که هدفش مشروع و مقدس است، ابزارهای آن نیز از مشروعیت برخوردار است.

تبلیغ برای هدایت مردم، از مهمترین برنامه‌ها و وظایف پیامبران الهی بوده است، به طوری که خداوند متعال با صراحت کامل می‌فرماید: رسولان اعدوا الله و اجتنبوا الطاغوت (نحل: ۳۶).

ما در میان هرامتی پیامبری برانگیختیم با این پیام که خدا را پرستش کنید و از طاغوت بپرهیزید. بنا بر آنچه قرآن از سرگذشت انبیاء و رسولان الهی بیان می‌کند، تبلیغ و دعوت به شریعت، از آغاز زندگی بشر تا زمان پیامبر اسلام (ص) و پس از آن ادامه داشته و دارد. از این رو، خداوند خطاب به خاتم النبیین (ص) می‌فرماید: انا ارسلناک بالحق بشیرا و نذیرا و ان من امه الا خلا فیها نذیر (فاطر: ۲۴)

ما تو را به حق برای بشارت و انداز فرستادیم و نیست امتی مگر انداز کننده‌ای در او بوده است. خداوند پیامبر (ص) را مبلغ شریعت می‌داند و تأکید می‌کند: وما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا (اسراء: ۱۰۵). ای پیامبر! ما تو را نفرستادیم مگر به عنوان بشارت‌دهنده و ترساننده. تبلیغ و دعوت به حق، زنده کردن انسان‌هاست چرا که خداوند می‌فرماید: دعاکم لما یحییکم (انفال: ۲۴)

دعوت انبیاء برای زنده کردن شماست هدایت یک انسان به مثابه زنده

ساختن همه انسان‌هاست زیرا یک انسان صالح می‌تواند جامعه‌ای را به‌سوی نور و روشنایی راهنمایی کند. از این رو قرآن کریم تبلیغ را بالاترین نیکوکاری می‌داند و می‌فرماید: «ومن احسن قولا ممن دعا الى الله و عمل صالحا. (فصلت ۳۳)

چه کسی نیکوکارتر از کسی است که مردم را به خداوند دعوت کند و خود نیز نیکوکار باشد خداوند با این پرسش، ارزش و جایگاه تبلیغ و مبلغ را آشکار می‌سازد. مرحوم طبرسی در ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: این آیه شریفه دلالت دارد که دعوت مردم به دین خدا، از بهترین واجبات و برترین اطاعت‌هاست (طبرسی، ترجمه‌ی تفسیر مجمع‌البیان، ج ۲۲، ۵۹: ۱۳۸۰).

تبلیغ نزد پیامبر اکرم (ص) نیز از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است؛ چراکه ایشان حضرت سه سال آغاز رسالت خویش را به دعوت مخفیانه و تبلیغ پنهانی و پس از آن آشکارا به تبلیغ و ترویج ایمان در جامعه جاهلیت آن روز پرداخت تا به آنجا که همراه یاران و دوستانش به شعب ابی طالب تبعید شد و سه سال را در محاصره اقتصادی و سیاسی سپری کرد. با این حال، به سبب اهمیت تبلیغ رسالت، همه آن فشارها و شکنجه‌ها را تحمل فرمود و دست از تبلیغ دین برنداشت.

بنابراین، اهمیت تبلیغ در هدایت است و هدایت یک انسان به منزله

زنده کردن اوست.

فلسفه وجودی حوزه های علمیه، تبلیغ و تبیین مکتب، پاسداری از اسلام ناب، دفاع و حمایت از مظلوم، برانگیختن روح عدالت خواهی، عدالت گستری در جامعه اسلامی، نشر علمی و عملی فضائل اخلاقی الهی و قرآنی، و فراورده های دینی، پاسداشت حدود و ثغور شریعت اسلامی، زنده نگهداشتن امید به عدالت و ایجاد گشایش برای مظلومان عالم، برای پاک سازی زمین از همه ستمگران و نامردی ها است. عالمان ربانی در طول تاریخ، نابودی طاغوت ها و ستمگران و استقرار معارف و ارزش های ناب محمدی (ص) را در همه زوایایش وعده دادند و خود در عمل گواه این مدعی شدند برای آماده سازی مقدمات حکومت اسلامی رسیدن به حکومت عدل جهانی، جام شهادت را نوش کردند. گزاف نیست اگر بگویم کارنامه حوزه ها، جز تبلیغ و تبیین احکام و معارف اسلامی نیست، اندک تأملی در تاریخ حوزه های شیعه درستی این گفتار را روشن می نماید؛ زیرا دست پروردگان حوزه های شیعه، هر کدام در دیار و اقلیم زندگی خویش، همیشه پرچم هدایت گری و بیان احکام و معارف اسلامی در جامعه به دست آن ها بوده است که بر بام تاریخ آن اقلیم و دیار به عنوان مشعل های فروزان بر سر راه کاروان بشر، برای راهنمای به کعبه وصال الهی و رساندن جامعه اسلامی به سعادت و معنویت در

تاریکستانی فتنه‌ها، هواها، هوس‌ها، و خدعه‌ها بوده‌اند. آن‌ها در سیاه‌ترین دورها، امید به عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری را در جامعه و دل‌های پاک زلال فطرتان در همه جای دارالاسلام زنده نگهداشتند. امیدی، برای تکاپو در زندگی و گذشتن از باتلاق‌های گمراهی و جهل و دودلی، برای رسیدن به ساحل نجات‌خدایی و سعادت و آرامش و آسایش جاویدانی برای مردم و جامعه رهنمون ساختند.

به سه رسالت مهم و اساسی که ساختار حوزه‌ها و بافت زندگی اندیشه‌داران فرهیختگان او را تشکیل می‌دهد اشارتی گذرا می‌کنم:

۱. رسالت تبلیغ در اقتداء و اسوه‌گیری

اقتداء و اسوه‌گیری از آرمان‌های پیامبر گرامی اسلام و جانشینان او و سامان دادن به زندگی مردم و تلاش حوزویان و سیرت و رفتار عالمان دینی و طالبان علم، براساس سیره حضرت محمد (ص) و امامان معصوم (ع) و پرتو گرفتن از انسان‌های کامل است. بخصوص امام زمان (عج) و انتظار ظهور او برای حوزویان، نه یک عقیده که زندگی است، زندگی علمی و عملی حوزویان است. به باور ما، ولی عصر، سرپرست و صاحب اصلی حوزه‌ها است، ولی نعمت آن‌ها است، تغذیه فکری و معنوی و مادی آن‌ها، به عنایت اوست، همه حوزویان سرباز اویند، برخوان نعمت او نشسته‌اند، از او چراغ راه می‌گیرند و رسم هدایت

می‌جویند. مردم نیز به آن‌ها چنین می‌نگرند و ایتم آل محمد (ص)، در زمان غیبت امام و سرپرست و سرور خویش، به حوزه‌ها پناه می‌آورند و از آنان یاری می‌خواهند و راه هدایت می‌جویند. با این برداشت، متولیان و سازمان دهندگان حوزه که خود نیز به یمن وجود و عنایت و لطف او، عزت و سروری یافته‌اند، لازم و ضروری است که خطوط نورانی قامت معنوی آن امام همام را تراز و شاغول سازمان‌دهی تشکیلات، بازسازی بالنده‌سازی حوزه‌ها کنند. همه تلاش خویش را در پی‌ریزی حوزه‌ای که خوشنودی مولا است به کار گیرند. رسالت جهانی حضرت مهدی (عج) را با همه بار معانی‌اش، دلیل کار حوزه‌ها کنند.

حوزه‌ای بسازند که شاگردانش اوصاف ولی عصر را قبله خویش قرار دهند و عشق به او را راه خود سازند. با عشق به او تبلیغ و تبیین احکام و معارف اسلامی نمایند و سبب نشر اوصاف و فضایل اخلاقی او در بین مردم و جامعه باشند.

اگر مهدی، امام عصر، ولی عصر، امام زمان و صاحب عصر و زمان است، عالمان نیز، زمان‌شناس بار آیند و پیشقراولان و طلایه‌داران عصر خویش باشند، تا بتوانند، مدیر دلسوز و هدایت‌گر خوب و توانمند برای قبیله و جامعه خویش شوند و زمان روزگار و جامعه اسلامی وزندگی مردم را بر راستای ویژگی‌ها و هدف‌های اسلامی و قرآنی سامان دهند.

اگر حضرت مهدی (عج)، آیت کبرای الهی برای جهان و خلق است، زندگی، گفتار، رفتار، منش اجتماعی سیره‌عملی و علمی سربازان او، رنگ و بوی الهی داشته باشد و سیمایشان آیت و نشانه‌ای باشد، از جمال و جلال الهی اوصاف زیبای مولا، چهره‌هایشان همیشه خدا را تبلیغ و فریاد آرد و نشست و برخاست با آنان، بر روحانیت و معنویت و ایمان مردم و جامعه بیفزاید و سبب هدایت آن‌ها باشند.

امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌فرماید: قال الحواریون لعیسی (ع) یا روح‌الله من نجالس؟ قال: من یدکرکم الله رؤیته، ویزد فی علمکم منطقه ویرغبکم فی الاخره عمله. (اصول کافی ج ۱ ص ۳۹)

یعنی حواریون به حضرت عیسی (ع) گفتند یا روح‌الله با جی کسی بنشینیم فرمود: با کسی که دیدارش شمارا به یاد خدا اندازد و سخنش دانشتان را زیاد کند و کردارش شمارا به آخرت تشویق کند.

رسول خدا (ص) فرمود: النظر الی وجه العالم عباده (بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۹۵)

پیامبر گرامی اسلام فرمود: نگریستن به چهره عالم عبادت است.

این است که هم‌نشینی و نگریستن به سیمای عالم عبادت به شمار می‌آید.

اگر حضرت مهدی (عج)، حجت خدا برای خلق در زمین است، دست پروردگان حوزه به راستی حجت بر حقانیت اسلام برای مسلمانان باشند. آن‌ها معارف الهی را نوش کرده و با تبلور عشق به صاحب زمان در دل‌ها، بر دنیا و زرق و برق دلربای آن، و آنچه مزاحم رسالت تکلیف و تبلیغ است، پشت می کنند و چهره برمی گردانند.

رسول خدا فرمود:

العلماء امناء الرسل ما لم یخا لطوا السلطان ولم یداخلوا الدنیا.
(کنز العمال ح ۲۸۹۵۲)

یعنی عالمان امنای پیامبرانند، تا زمانی که با سلطان و حاکم ستمگر معاشرت نکنند و دنیایی نشوند. عالمان، وقتی به عنوان امین خدایند که دل بستگی به دنیا و زرق برق آن نداشته باشند.

اگر امام عصر (عج) به عنوان امین نواخته شده است، جهت سازمان حوزه نیز، باید در این باشد که دست پرودگانی امین تربیت کند: امین در تبلیغ و رساندن معارف ناب اسلامی به مردم و جامعه، امین در بیان حقایق، امین در پاسداری از عدالت اسلامی، امین در حفظ و حراست از ایمان و نوامیس امت اسلامی.

امام باقر (ع) فرمود: العالم کمن معه شمعۃ تضيء للناس فکل

من ابصر شمعته، دعا له بخير كذا لك العالم مع شمعته، تزيل ظلمة الجهل
والحيرة... (احتجاج ج ۱ ص ۱۷)

یعنی دانشمند مانند کسی است که با او شمعی است و به مردم
می‌درخشد و هر کس شمع او را می‌بیند برای او دعای خیر می‌کند.
دانشمند نیز این‌گونه است شمعی دارد که با آن تاریکی نادانی و حیرت
را از بین می‌برد.

ولی عصر، نور خدا است که در پرتو انوارش، هدایت جویان
راه بینند و رهپویند، سربازان و شاگردان او نیز، باید چنان مشعلی باشند
در جامعه، برای تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی فرا راه ره جویان و ره
پویان حق و حقیقت در این عالم باشند. باید نیروهای انسانی برآمده از
حوزه، تبلور اخلاقی الهی و قرآنی و تجسم ارزش‌های اسلامی باشند.
در گفتار و کردار و رفتار، پرتوی از کمالات و کرامات ولوی را به
نمایش گذارند و نیم رخى از یا را بنمایانند.

اگر صاحب زمان، مظهر عزت الهی است، حوزه‌ها نیز،
دانشجویان و دانش‌پژوهان با عزت و مناعت طبع تربیت نماید. اگر او،
به وقت اقتدار، پوشش ساده دارد، غذای ساده میل می‌کند، و در معیشت
چونان جدش مولای موحدان هست، حوزویان نیز به گونه ساخته شوند

که به هنگام اقتدار، فریفته ظاهر زیبای دنیای پرنیرنگ نشود و کرسی قدرت زبونشان نکند، بلکه با پیشه نمودن تقوای الهی قدرت را با تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی در بین مردم و جامعه رام خدمت به خلق خدا کنند.

در یک کلام، حوزه‌ای سامان دهیم که طالبان علم و عالمانش رو به کوی مولا داشته باشند، آهنگ انتظار ظهور او را در تارهای وجودشان بنوازند و عشق به مولا، از نوای ضربان قلبشان به گوش برسد، شیفته و فرهیخته وصال او شوند در همه احوال، آماده برای تبلیغ معارف الهی ولیک به دعوت مولا باشند. حوزه، چونان پادگانی باشد. هر وقت و هر لحظه در آماده‌باش کامل، هر آن ممکن است او از درآید و بانگ قیام و انقلاب سر دهد.

۲. رسالت تبلیغ در وراثت بودن علماء از جانب انبیاء و امام معصوم

عالمان ربانی و حوزه‌های علوم دینی در روزگاری که امام زمان، از ما چهره پوشانیده است، وارث او، در نگهبانی میراث معرفتی دین و ایمان مردم‌اند. در تبلیغ معارف و بیان احکام اسلامی، روشن ساختن مرزهای اعتقادی، بیرون آوردن معارف، اخلاق، آداب، موازین

تربیتی از متون دینی و تأمین دانش‌های دینی موردنیاز مردم و جامعه اسلامی، بر آنان است. آنان در روزگار غیبت، باید محاسن و نیکویی‌های معارف قرآن و اهل‌بیت را برای نسل‌های امت اسلام روشن نمایند و برتری منطق توانای اسلام را در برآوردن بهروزی و سعادت بشریت، با زبان همان روزگار و با بهره‌وری از بهترین ابزار اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی پیام اسلام را به جهان، برسانند.

چنان‌که رسول خدا (ص) فرمود: العلماء مصابيح الارض وخلفاء الانبياء و ورثتي وورثة الانبياء. (نهج الفصاحه، ح ۲۰۱۴)

دانشمندان، چراغ‌های زمین، جانشینان پیامبران، وارثان من و پیامبران‌اند. این وراثت، درواقع همان زنده نگهداشتن و تبلیغ معارف اسلامی بر فراز اعصار و امصار است. در روزگاری طولانی غیبت امام عصر، شیطان‌های پنهان و آشکار، تهاجم خود را علیه امت اسلامی با استفاده از همه ابزار و روش‌ها آغاز کرده‌اند تا پایه‌های اعتقادی مسلمانان را سست و ایمان آنان را بربایند، تنها پناهگاهی مسلمانان، حوزه‌های علمی و اعتقادی است که باید در هر مورد، به دفع و رفع این زیان‌ها و خطرهای پردازند و با بهره گرفتن از منطق نیرومند قرآنی و اسلامی، پیام اسلام را به مردم و جهان برسانند و کار وظیفه بانی و

مرزدارى خویش را به‌خوبی به انجام رسانند.

چنان که امام هادی (ع) فرمود: لولا من یبقی بعد غیبه قائمنا، من العلماء الداعین الیه والدّالین علیه والدّابین عن دینه بحجج الله والمنقذین لضعفاء عبادالله من شباک ابلیس ومردته ومن فحاح النواصب لمابقی احداً ارتدّ عن دین الله ولکنّهم الذّین یمسکون ازمّة قلوب ضعفاء الشیعه كما یمسک صاحب السفینة سکّانها... (میزان الحکمة، ج ۶، ص ۴۵۶)

یعنی اگر در روزگار غیبت قائم، عالمانی نبودند که ظهور و فرج او را فریاد کنند و مردم را به‌سوی او راهنمای نمایند و از دین او، با استدلال‌های محکم، به دفاع برخیزند و کسانی را که ایمان سستی دارند، از تور شیطان و پیروانش و از شکار ناصبیان و یورش گران بر ارکان دین رهایی بخشند، هیچ‌کس باقی نمی‌ماند، مگر این که راه ارتداد را پیش می‌گیرد، ولی آنان زمام دل‌های شیعیان را در دست می‌گیرند چونان که ناخدای کشتی عقبه کشتی را.

گل‌های سرسبد حوزه‌ها، عالمان ربانی، به‌حق در ازنای تاریخ تشیع مرزبانانی وظیفه‌شناس وارثان امین و هوشمند بودند و از میراث به‌جای مانده پیامبر و امامان شیعه، نیک پاسداری کردند، در هر دوره‌ای

غبار خرافه را از سیمای زلال دین و مکتب زدودند و با خرافه و خرافه‌پرستی، و خرافه‌سازان، به ستیز و رویارویی برخاستند، شبهه‌ها را پاسخی درخور دادند و دماغ شبهه افکنان در دین و ایمان مردم و جامعه را با برهان‌ها و استدلال‌های متین به خاک مالیدند و ایام آل محمد (ص) را که میراث معنوی و مذهبی‌شان مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود، با رنجه‌ای استخوان سوز، طاقت فرسا و مقاومت و درایتی شگفت‌انگیز، پاس داشتند و توصیه امامان (ع) در توصیف وارث علم حقیقی اهل بیت را تبلور عینی و عملی بخشیدند.

امام صادق (ع) فرمود: علماء شیعتنا مرا بطون فی الثغرائذی یلی ابلیس و عفاریته، یمنعوهم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا وعن ان یتسلط علیهم ابلیس و شیعتہ والنواصب ألا فمن انتصب لذلک من شیعتنا کان افضل ممّن جاهد الروم والترك والخزر ألف ألف مرّة لانه یدفع عن ادیان محبینا وذلک عن ابدانهم. (احتجاج، ج ۱، ص ۱۷)

علماء پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر ابلیس و لشکریانش صف کشیده و از یورش آن‌ها جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی و معاند او، با اهل بیت بر آن‌ها پیشگیری می‌کنند. آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در

معرض دفاع قرار داده‌اند، هزار هزار بار بالاتر از سپاه‌یانی است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر، پیکار می‌کنند، زیرا علماء نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند، در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

سرگذشت جهاد علمی عالمان ربانی، در طول تاریخ حوزه‌های علوم شیعه، پر از حماسه، ایثار، نستوهی و سر باختگی است. آنان، هم از اسلام ناب را پاس داشتند و هم در رویارویی با زر و زور و تزویر حاکمان ستمگر تاریخ، با تبلیغ و جان‌فشانی پر خم سرخ تشیع را پرفراز فرهنگ شهرهای این خاکستان، برافراشته داشتند. عالم بودن و جامع بودن، از پس هر پرسش و هجوم فکری و فرهنگی برمی‌آمدند. دیده‌بانی بودن که آفاق دید تیزنگرشان، همه مرزهای فکری و فرهنگی دارالاسلام را می‌پایند و حرکت دشمنان دین و اسلام در اقصی بلاد اسلامی، از تیررس نگاه نافذ و دورنگرشان بیرون نبود، با منطق برتر و عالی اسلامی و پشت‌کاری اعجاب‌برانگیز، تحرکات فکری و فرهنگی بیگانگان را از حرکت باز می‌ایستاندند.

نگاهی به سیره و میراث عظیم فرهنگی و علمی عالمان شیعه، گواه این مدعا است. نوشته و تألیف کتاب‌های گوناگون در زمینه‌های

مختلف که هر کدام در پس خود فلسفه‌ها، رازها، و رنج‌ها و حماسه‌ها دارند و فصلی پر دامنه از رویارویی علمی تبلیغی و فرهنگی حوزویان و دگران‌دیشان را فرا روی ما می‌گشایند. مطالعه و کاوش در چند و چون و خاستگاه علمی و فرهنگی پدید آمدن آن کتاب‌ها، مانند تابلوهای زیبا از چگونگی تبلیغ فکری و فرهنگی و مرزبانی، وظیفه‌داری عالمان حکایت می‌کند.

تلاش آنان در پاسداشت و حراست و تبلیغ از اندیشه و فرهنگ سرنوشت‌ساز و دشمن برانداز اسلام، بر تارک تاریخ جامعه تشیع در عالم، خودنمایی می‌کند و چشم و دل هر خواننده و پژوهشگر را می‌نوازد. تابلوهایی که بیش از هزار سال، حماسه، تلاش و تبلیغ فکری و فرهنگی، میراث‌داری و تکلیف‌شناسی حوزویان را در عرصه‌های گوناگون به نمایش می‌گذارد. از شیخ مفید، ابن بابویه، کلینی، علامه حلی تا علامه امینی و سایر عالمان و هم‌فکران و شاگردان آن‌ها این تابلوهایی زیبا و نفیس تاریخ حوزه‌ها علوم دینی شیعه و تبلیغ و بیان معارف و احکام اسلامی و نیز چگونگی روش آن‌ها را برای ما روشن می‌سازد. در این تابلوهایی زیبا، شگفتی‌هایی از جلوداری و تبلیغ علمی و فکری، فرهنگی، گستره آگاهی و آزاداندیشی، صاحبان آن‌ها

را نشان می‌دهد. نیز مرزبانی تا پای شهادت، مبارزه با خرافه و کثرفکری و تنگ‌اندیشی در جامعه اسلامی را به‌خوبی روشن می‌سازد و برای امروز حوزه‌ها می‌تواند راهنما و الگوی نیک برای تبلیغ و تدریس و بیان احکام و معارف اسلامی باشد.

۳. رسالت تبلیغ در نیابت علماء از جانب امام زمان

مهم‌ترین و دشوارترین وظیفه و تکلیف حوزه‌ها در عصر غیبت، نیابت عامه است بی‌شک نیابت از امامی که منادی و برابری است و در پس پرده غیبت تا با ظهور خویش، حکومت عدل جهانی بر موازین الهی، بر پا کند نیابت تنها پرداختن به مباحث اصول و فقه نیست، به کرسی مدرسی و زیادی شاگردان نیست، به داشتن و کتب در زمینه مباحث فقه و اصول نیست.

نیابت، پذیرش همه تکالیف اسلامی: تبلیغی، علمی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی، و راهنمای و رهبری است. نیابت درواقع از مقوله اقدام و عمل است، نه علم تنها. نیابت، تبلیغ و میدان‌داری و حماسه گستری در برابر دشمن در زمینه‌های فکری و فرهنگی است نه انزوا گزینی و پس پرده‌نشینی. نیابت شناختن زمان و جهان، سیاست‌های جهانی و اشراف داشتن بر حرکت تاریخ و جامعه است، نه گز کردن مسیر خانه و محل درس. نیابت، تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی

و پرتوافشانی است فرا روی همهٔ پاکان و پاک‌فطرتان و طالبان حق و حقیقت جهان، نه نشستن در کنج حوزه‌ها. نائب امام زمان (عج) نه هر فقیه و رساله دار است.

عالم و دین‌شناسی است که روح دین را نوش کردن است در همه زوایا و نیازهای فکری و فرهنگی مردم و جامعه مرجع و ملجئه است. نیابت در حقیقت، سرپرستی و رهبری عامه است، رهبری سیاسی، نظامی، فرهنگی، و اقتصادی جامعه اسلامی. تبلیغ و پاسداری از جامعه اسلامی در دریای متلاطم روزگار خویش و نگهبان جوامع اسلامی در برابر هجوم امواج افکار و فرهنگ‌های بیگانه باشند، مدیریت و هدایت جوامع اسلامی در برابر غوغای رهن و حیرت‌انگیز امواج هجوم بر ارکان دین و ایمان و باور مردم و جامعه اسلامی خویش باشند.

حضرت امام حسن عسکر (ع) فرمود:

فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لأمر مولاه، فللعوام أن يقلّدوه و ذالك لا يكون إلا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم...

(وسائل الشيعة، ج، ۲۷، ح، ۱۰)

یعنی از میان فقهاء و علماء دین آن کسی که خود را از (هر گناه کوچک و بزرگ) نگهدارد و نگهبان دین و آئین (اعتقادات خود و مردم) باشد، با خواسته‌ها و تمایلات شخصی خود مخالفت کند و از دستورات مولای خود اطاعت و پیروی نماید، بر مردم است که از او پیروی کنند بعضی از فقهای شیعه چنین هستند نه همه آنان.

هر کس از دین شناسان فقیهان در دین که کشیک نفس کشد و دروازه شهر وجود خود بر هواها، هوس‌ها و خواسته‌های نفسانی ببندد و دین خود را پاس دارد و از مرزهای اعتقادی به تبلیغ و دفاع برخیزد و پا روی انبوه خواهش‌های نفسانی خویش گذارد و دستورات مولا را در همه زمینه و زوایایش، اطاعت و پیروی نماید، بر عموم مردم و جامعه اسلامی لازم که سرپرستی و رهبری او را پذیرند و از راهنمای هدایت او پیروی کنند.

امام زمان (عج) در جواب نامه یکی از چهره‌های مورد اعتماد شیعه (اسحاق بن یعقوب) فرمود:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و

انا حجة الله عليهم. (کمال الدین و تمام النعمه، ج، ص ۲۳۸)

و اما در مورد رویدادها و جریاناتی که در آینده پیش خواهد آمد به روایان حدیث ما رجوع نمایید زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم. بر اساس دلالت روایات در دو راغیت مسئولیت و رسالت دینی امام زمان (عج) در برابر حفظ مکتب و هدایت و راهنمای امت اسلامی، بر عهده عالمان دین به عنوان نایب و جانشین امام، نهاده شده است. شرح و تفسیر و تبلیغ دین، به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای موجود مردم و دین‌داران و بازگویی و بازفهمی تعالیم به جای مانده از اما من معصوم (ع) به وسیله آنان آغاز شد. عالمان، با به کار گرفتن آگاهی‌های خود، از منابع اولیه دین: قرآن و سنت، و استناد به فهم علمی خویش از آن‌ها، کوشیدن پاسخ‌های درخور نیازهای فکری و فرهنگی مردم و جامعه عصر خویش بیابند و با عرضه کردن آن‌ها مسئولیت نیابتی و تبلیغی خودشان را به انجام برسانند. مردم وظیفه یافتند به عالمان دین مراجعه کنند و موضع فکری و فرهنگی و رفتاری خود را در روی دادهای زندگی، با رهنمودها و هدایت‌های اجتهادی آن‌ها هماهنگ شوند. این پیوند ارتباط متقابل، میان عالمان و مردم سبب گردید، معارف دینی در پرتو تلاش‌های دین شناسه عالمان در بخش‌های گوناگون مکتب باگذشت روزگار رشد و توسعه یابد. دانش‌های بسیاری، مانند فقه، کلام، اصول، تفسیر، حدیث، رجال، فلسفه، عرفان، و تاریخ که اساس فکری آن‌ها در عصر حضور امامان معصوم (ع) آغاز شده بود،

مراحل تکامل را پیمود و میراث علمی ارزنده‌ای با تبلیغ و هدایت آنان در جامعه به‌خوبی پدید آمد. آن‌ها دین شناسان فقیهانی هستند که افزون بر گستردگی بینش، برخورداری از دارایت و مدیریت، اهل حماسه و تبلیغ و اقدام باشند، سری نترس و زبانی صریح در بیان معارف اسلامی و ارزش‌های دین داشته باشند و شهادت در دفاع و ابلاغ و پاسداری از دین را یکی از دو نیکویی شمارند. همین اندک از عالمان شیعه، همیشه همه‌جا و در هر شرایطی، مشعل مکتب تشیع را روشن نگاه داشتند و هر دوره، گرچه اندک شمار بودند، ولی آفاق تبلیغ و افکارشان همه‌گیر بود، آن‌ها نه تنها در همه جنبش‌های درست اسلامی، حضور پرشور و چشم‌گیر داشتن که خو پدیدآورنده و سردمدار بسیاری از جنبش‌های اسلامی و همه قیام‌های شیعی علیه ستم و استبداد بودند؛ زیرا مقتضای نیات از امام را تلاش برای بر پای حکومت و قانون اسلامی و نابودی حاکمان ستمگر می‌شمردند، با همین برداشت، برای زمینه حکومت عدالت‌گستری اسلامی، بر چوبه دار رفتند و گاهی در آتش قهر و کینه دشمن سوختند و با انوار شهادتشان، انسان‌ها را راهنمای نمودند و بر خروش درآوردند.

شهیدان فضیلت حوزه‌های شیعه که بیسارند، گناهی جز تبلیغ و بیان معارف اسلامی و پاسداشت نیابت امام زمان (عج) نداشتند، شماره اقدام‌ها و حماسه‌های عالمان، و فقیهان، عارفان، فیلسوفانی که خلیل آسا پا در معرکه مصاف با

نمرودیان زمان نهادند و قامت زیبای بیات را بایبان معارف قرآنی و اسلامی اقدام بجای و خدایی خویش، استوار داشتند، شاهد گویا و برکت عظیم این تعلیم دینی و مقام مقدس در زمان غیبت کبرا، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که انشا الله طلیعه انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) است، انقلابی که پیاده احکام و موازین وحی و معارف اهل بیت (ع) را مهم‌ترین وظیفه خویش می‌داند، می‌رود که اسوه‌ای شود برای همه مسلمانان و حق جویان جهان. این است که حوزه‌های علوم دینی، عالمان بزرگوار حوزه و فاضلان فرهیخته، تبلیغ و گسترش اسلام ناب را باید پاس این نعمت کریمه بدانند و کرامتی را که برای حوزویان از برکت انقلاب اسلامی و اقدام بزرگ امام راحل، پدید آمده است، پاسدارند. پاسداشت این نعمت برین و بزرگ برای بیرون کشیدن حقایق و معارف ناب قرآنی و اسلامی، از لابه‌لای گرد و غبار هزارساله است که با دست عالم نماهای متهمک و جاهلان منتسک بر سیمای اسلام نشسته، به‌ویژه احکام و معارف جامعه‌ساز و نظام‌پرداز اسلامی جز با تحوّل و دگرگونی ژرف و همه‌جانبه در تشکیلات شیوه آموزش، متون درسی و از همه مهم‌تر، دگرگونی در تلقی از رسالت تبلیغ حوزه‌ها و عالمان دینی امکان‌پذیر نیست.

حوزه اگر بخواهد رسالت خدایی و تبلیغی خویش را در عرصه‌های: اقتدا و اسوه‌گیری، وراثت، نیابت، به انجام رساند، باید سازمان و تشکیلات درخور

پرورش و تربیت عالمانی برای به دوش کشیدن و به سرانجام رساندن آن مأموریت‌های بزرگ، پایه‌گذار نماید و با کمک ویاری گرفتن معنوی و مادی از نایب بر حق امام زمان (عج) مقام معظم رهبری که بیش از هرکسی، درد کارآمدی و نقش‌آفرینی حوزه‌ها و حوزویان را دارد، خوشنودی و رضایت حاحب اصلی حوزه‌ی امام زمان (عج) فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

تبلیغ نزد پیامبر اکرم (ص) نیز از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است؛ چراکه ایشان از آغاز رسالت تا واپسین روزهای عمر خویش به این امر مبادرت ورزید.

تبلیغ دین و بیان احکام و معارف اسلامی در حوزه فرهنگ دینی از اساسی‌ترین رسالت و وظایف حوزه‌های علوم دینی شیعه بوده است.

علماء مشعلی باشند در جامعه، برای تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی فرا راه ره جویان و ره پویان حق و حقیقت در این عالم باشند. باید نیروهای انسانی برآمده از حوزه، تبلور اخلاقی الهی و قرآنی و تجسم ارزش‌های اسلامی باشند. در گفتار و کردار و رفتار، پرتوی از کمالات و کرامات ولوی را به نمایش گذارند و نیم رخ‌ی از یا را بنمایانند.

عالمان شیعه، همیشه همه‌جا و در هر شرایطی، مشعل مکتب تشیع را روشن نگاه داشتند و هر دوره، گرچه اندک شمار بودند، ولی آفاق تبلیغ و افکارشان همه‌گیر بود، آن‌ها نه تنها در همه جنبش‌های درست اسلامی، حضور پرشور و چشم‌گیر داشتن که خو پدیدآورنده و سردمدار بسیاری از جنبش‌های اسلامی و همه قیام‌های شیعی علیه ستم و استبداد بودند. زیر، مقتضای بیات از امام را تلاش برای برپای حکومت و قانون اسلامی و نابودی حاکمان ستمگر می‌شمردند، با همین برداشت، برای زمینه‌سازی حکومت عدالت‌گستری اسلامی، بر چوبه دار رفتند و گاهی در آتش قهر و کینه دشمن سوختند و با انوار شهادتشان، انسان‌ها را راهنمای نمودند و بر خروش درآوردند.

منابع

قرآن کریم

اربابی، علی محمد، تبلیغات تجاری، تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی. ۱۳۵۰.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران ۱۳۸۲ چاپ، چهارم.

جبران، مسعود، الرائد (فرهنگ الفبایی عربی، فارسی) ترجمه، محمد فاضلی،

مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۸۶.

خندان، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، تهران سازمان

تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.

رهبر محمد تقی پژوهشی در تبلیغ، نشر مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی،

چاپ اول، تابستان، ۱۳۷۱.

شیخ صدوق، محمد، کمال الدین تمام النعمه، مترجم منصور پهلوان، قم،

انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۲ ه.ش، چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، مترجم: علی کرمی

ویراستار: رضا انصاری محلاتی، موسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۸۰.

طبرسی، علی، احتجاج، دارالتعارف بیروت، ۱۴۰۱ ه ق چاپ پنجم.

۱۰. کلینی، محمد، اصول کافی، دارالتعارف بیروت، ۱۴۰۱ ه ق، چاپ چهارم.

۱۱. عاملی، محمد، وسائل الشیعه، احیاء التراث العربی بیروت، ۱۴۱۶ ه ق، چاپ

دوم.

۱۲. متقی هندی، علی، کنز العمال، دارالتعارف بیروت، ۱۴۰۱ ه ق چاپ پنجم.

۱۳. علامه مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه ق،

چاپ دوم.

۱۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، بهزاد، ۱۳۸۲.

۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی قم، ۱۳۸۶ ش، چاپ سوم.